

﴿هو الحکیم﴾

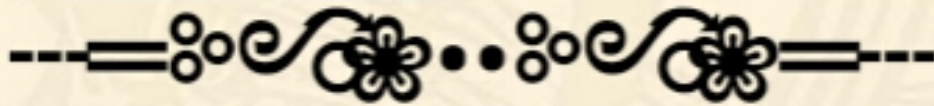
عنوان:

پیش گوئے امام باقر علیہ السلام از کیفیت

شهادتشان

سخنران:

دکترو حید باقر پور کاشانی



• اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ •

وقتی می‌گن باقر العلوم یعنی شکافندهی علم؛ طرف می‌بینی
مثلا کوه رو می‌شکافه می‌گن طرف چیه؟ کوه شکافه! این
علم را می‌شکافه! یعنی رسوخ در علم داره، مصداق اتم.
«الزَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ امام باقر علیه السلام»

در صفحه‌ی ۲۷۲ در خصوص شهادت حضرت که علم داشتند چه
اتفاقاتی افتاده چندتا روایت کوتاه من این‌ها را می‌خونم؛ شاید به
این نحو ندیده باشین روایتش رو.

روایت شده از امام صادق که فرمود روزی پدرم به یک بیماری
سختی مبتلا شد و همه از شفا یافتن ایشان ناامید شدیم (یعنی
حال آقا جوری بود که گفتن دیگه این از دنیا میره) و به‌خاطر از
دست دادن ایشان ناراحت و گریان بودیم (آقا دیگه لحظات آخری
و همه خانواده ناراحت بودن) از دوستان و اصحاب که عیادت
ایشان آمده بودند گریه و زاری می‌کردند؛ پدرم به ما گفت ناراحت
نباشین زیرا من در این بیماری از دنیا نخواهم رفت. امام صادق
علیه السلام می‌فرماید: پدرم از آن بیماری خوب شد و مدت زیادی
عمر کرد روزی به یک بیماری خفیفی مبتلا شد و در آن وقت به ما
وصیت و سفارش می‌کرد؛ گویا می‌خواست از این دنیای فانی وداع
کنند به ایشان عرض کردم: مگر می‌خواهید به شهادت برسید که
چنین وصیتی به ما می‌دهید؟ فرمود: آن وقتی که بیمار بودم و به
اذن خداوند شفا یافتم به من خبر داده بودند که شفا خواهم یافت
ولی در این بیماری به من خبر دادند که در فلان روز و به دست فلان
شخص مسموم، و به شهادت خواهم رسید. امام صادق می‌فرمایند:
در همان روزی که پدرم گفته بود به دست همان شخصی که گفته بود
مسموم شد و به شهادت رسید؛ این یک روایت.

روایت دیگر: و نیز روایت شده از ابی خدیجه، از امام صادق که فرمود: در روز شهادت پدرم امام محمد باقر در نزد ایشان بودم که ایشان به من وصیت می‌کرد که مرا غسل و کفن و دفن کن به ایشان عرض کردم پدرجان هیچ اثری از مرگ در وجود شما نمی‌بینم و شما بهتر از همه‌ی روزها صحیح و سالم می‌باشید. فرمود: «آیا نشنیده‌ای که پدرم امام سجاد علی بن الحسین مرا از پشت دیوار صدا می‌زد ای محمد زود باش به نزد ما بشتاب؟» پدرم امام باقر روح مقدس شون می‌گه محمد من فهمیدم که مرا می‌طلبد امام صادق می‌فرمایند: «در همان وقت پدرم بعد از اتمام سخنانش جان خود را تسلیم خدای تبارک و تعالی داد و به شهادت رسید.»

و نیز روایت شده از ابی یعفور که می‌گوید شنیدم امام صادق فرمودند: «روزی در نزد پدرم نشسته بودم که به من فرمود: پنج سال دیگر به شهادت خواهم رسید. امام صادق می‌فرمایند: وقتی به شهادت رسید سال‌ها روزها را شمردم و دیدم که نه یک روز زودتر و نه یک روز دیرتر بود در همان روز موعود پدر بزرگووارم همان‌گونه که ایشان ذکر کرده بودن به شهادت رسید.» یک نکته‌ای هست در مورد امام باقر، که امام باقر مسمومیتشون خیلی مرموزانه بوده و اون اثره‌ی زهر این‌گونه نبوده که مثل ائمه معصومین به اون وضعیت بعضی ائمه چند روز به این وضعیت! بعضی سم‌های که به ائمه‌ی معصومین دادن مثل خوره گوشت بدنشون رو از بین برده بود مثل امام صادق بعضی رنگ بدنشون عوض شده بود بی‌تابی بودش آقارو مسموم کردن اما مثل اون زهر و سمی که به سایر ائمه‌ی معصومین دادن اون‌طوری نبوده چون اثر شهادت اثر مرگ رو در وجودش همون روزم ندیدن. درهرسه روایت هم هست، اما خب علت مسموم کردن توسط همون فردی که آقا خودشون معرفی کردن که مباشر خلیفه چنین کاری رو انجام داد و به واسطه این کارو انجام داد و این صورت تعلق و حضرت گزارش دادن و کی من رو به شهادت می‌رسونه و در چه روزی و چنین و چنان...

ان‌شالله که خداوند متعال توفیق بده از شیعیان خلص امام باقر

(ع) و در مسیر علم و دانش و بزرگواری

از امام باقر بیشتر علم بخواهید، معرفت بخواهید؛ چون ظهور علمی حضرت نسبت به سایر ائمه‌ی معصومین امام باقر و امام صادق بیشتر بود از آن‌ها علم بخواه خیلی مهمه.

«رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا وَ عَمَلًا وَ الْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»